دبیر کل حزب مردم‌سالاری در گفت‌وگو با مخاطب ۲۴:

بعید می‌دانم مجلس دوازدهم بهتر از دوره یازدهم باشد

چهارشنبه نوزدهم اردیبهشت ماه، در یک بعد از ظهر بهاری در محل استودیوی رسانه مخاطب ۲۴، میزبان دکتر مصطفـــی کواکبیان یکی از چهره‌های مطرح و شـــناخته شده سیاسی و رسانه‌ای کشـــور بودیم که در سابقه فعالیت‌های سیاسی خود تجربه دو دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی تا کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری را دارد.

ایـــن گفت‌وگوی کوتاه، اما صمیمانه فرصتی بود برای پرداختن به برخی از موضوعات مهم داخلی و خارجی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... از دیدگاه این استاد دانشگاه و فعال حزبی و از اهل قلم و مطبوعاتی‌های با تجربه.

ســـوم ماه می و روز جهانی آزادی مطبوعات را پشت سر گذاشـــتیم. نظر و دیدگاه شما در این خصوص به عنوان یک روزنامه نگار باســـابقه چیست؟

خوشبختم که فرصتی پیدا شد تا در خدمت مخاطبان عزیز پایـــگاه خبری مخاطب ۲۴ باشـــم. از دســـت اندرکاران این پایگاه خبری تشکر می‌کنم که توانستیم در خدمت آن‌ها باشـــیم. در دهه کرامت و روز ولادت حضرت فاطمه معصومه (س) و امام هشـــتم (ع) قرار داریم که این مناسبت‌ها را تبریک عرض می‌کنم.

در خصوص سوال شما در بحث مطبوعات، ما واقعیتش نمی‌توانیم الان مدعی شـــویم که الان روزگار سختی از لحاظ فضـــای آزاد و مباحث مربوط به آن را داریم. هر چند که گاهی شـــاهد احضار و بازخواست روزنامه نگارانی به هر دلیلی بعد از چاپ مطالبشـــان هستیم، ولی به نظر من این موارد خیلی زیاد نیســـت. ولی باز هم باید دقت کرد.

بحـــث دادگاه مطبوعات هم مطرح اســـت که باید با حضور هیأت منصفه باشد و مراحلش باید با دقت عمل شـــود. در پایان ۱۴۰۱ و آغـــاز ۱۴۰۲ از لحاظ آزادی مطبوعات، وضعیت نابهنجاری داشـــتیم و بسیاری را احضار می‌کردند و افرادی پیدا شـــده بودند که موارد منتشره خوشایندشان نبود و فکر می‌کردند برای حفظ امنیت باید روزنامه‌ها صحبتی نداشته باشند و دورانی سخت داشتیم، ولی بعدها وضعیت کمی بهتر شد.

خودِ من چندین بار به دادسرای رسانه احضار شدم و مباحثی بود که پاســـخ دادیم و سال گذشته در چند مورد با حضور هیات منصفه جلسه داشتم. خوشبختانه در تمامی موارد، منع تعقیب صادر شد و چیزی برای محکومیت ما پیدا نکردند. حرف‌های عجیب و غریبی بود که واردش نمی‌شوم.

می‌خواهم بگویم مطبوعات مـــا در حال حاضر دچار مشکلی جدی تری است و آن هم اقتصاد رسانه است. بر فرض اینکـــه مطبوعاتی آزاد داریـــد، ولی اگر این مطبوعات نتواند خـــودش را بچرخاند چه! چند وقت پیش روزنامه آفتاب یزد رســـماً گفت دیگر نمی‌توانم ادامه بدهم. اگرچه دلایل دیگری هم می‌آوردند، ولی بیشتر از هر چیزی این مسأله بود و تعطیل کردند.

اگـــر روزنامه ما (مردم ســـالاری) هـــم ارگان حزبی نبود، واقعا گرداندن روزنامه بدون پشـــتوانه‌های مالی که برخی نهادها دارند مشـــکل بود. مطبوعات دولتی مشکل چندانی ندارند. منابع مالی قوی پشت سر آن‌ها اســـت. روزنامه همشهری و ایران و ... و حتی کیهان و امثالهم. این رسانه‌ها منابع مالی دارند. ولی مطبوعاتی که مســـتقل هســـتند و دولتی نیســـتند و مخصوصا رسانه‌های منتقد و مخالف برخی جریانات دولتی، باید فشـــارها را تحمل کنند و این فشـــارها کمتر از فشارِ بگیرو ببند نیست. این مشکلی است که باید روی آن فکر کرد.

عملکـــرد دولت ســـیزدهم را در حدود ســـه سال گذشـــته در حوزه‌های سیاست خارجی و اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من دولت آقای رئیســـی بر خلاف شعاری که دادند و گفتند ما صادق الوعد هســـتیم، نتوانســـتند عمل کنند. ایشـــان نتوانسته است شـــعار انتخاباتی اش را عملیاتی کند. مثلا ســـالی یک میلیون مسکن می‌سازیم. مثلا سالی یک میلیون شغل ایجاد می‌کنیم. امروز هم با وجود اینکه ســـه سال گذشته است و باید ســـه میلیون شغل ایجاد شـــده و سه میلیون مسکن ساخته شده باشد، ولی واقعیت این نیست.

وزیر کار می‌گوید آن‌هایی که درهفته یک ساعت هم مشغول هســـتند، جزء شاغلین حساب می‌شوند. این که آمار دادن ندارد! یا برخی بیکارها ســـر کار برگشته اند! این که نشـــد آمار. بحث ما این است که برگشتن این بیکارها به سر کار، ایجاد اشتغال جدیدی نیست. آدم‌هایی که شـــغل می‌خواهند، چقدر مشغول شده و شـــغل پیدا کرده اند؟! در مورد مسکن هم به همین ترتیب اســـت و آمارهایی که بیان می‌شـــود از همین جنس اســـت. در این سه سال چه بلایی بر سر ارزش پول ملی آمده اســـت؟! در سه ماه گذشته نزدیک به دوازده هزار تومان از ارزش پول ملی کم شـــده است. بخش اعظم کاهش ارزش پول ملی به نوع روابط بین المللی و دیپلماســـی و عرصه سیاست خارجی کشور مربوط است.یک زمانی شعارهای زیادی داده شد که ما سفره مردم را به مسائل بین المللی گره نمی‌زنیم و بعدها متوجه شدند که اگر خودشان هم نخواهند گره بزنند، گره خورده است. در ماجرای وعده صادق که ما دفاع از خود داشتیم، پالس‌هایی داده می‌شد که جنگ رو به اتمام اســـت و دلار پایین می‌آمد و وقتی پالس داده می‌شد که همچنان تنش وجود دارد باز دلار بالا می‌کشید. این یعنی گره خوردن سیاست خارجی به سفره مردم.

من عقیده دارم بزرگ‌ترین مشـــکل ما در سیاســـت خارجی این اســـت که دوســـتان ما برنامه مشخصی برای پیشـــبرد اهداف ملی و منافع ملی ندارند. یکی از مشکلات بیبرنامگی این اســـت که ظاهراً واهمه و ترســـی از مذاکره مســـتقیم دارند. چه اشکالی دارد که با آمریکایی‌ها مذاکره مســـتقیم داشته باشیم؟! ما معتقدیم مبانی درستی داریم بحث‌هایی منطقی داریم و می‌توانیم حرف‌های درستی بزنیم، پس چه واهمه‌ای وجود دارد؟!

برخی می‌گویند آن‌ها می‌خواهند مذاکره مســـتقیم داشته باشند و از صفر تا صد خواسته آن‌ها را بپذیرید. خب این که اســـم اش مذاکره نیســـت! مذاکره یعنی چیزی بدهیـــم و چیزی بگیریم. مذاکره به معنی بده بستان است.

آقای گروســـی به ایران آمده اســـت. چه اشکالی دارد که بنشینیم و گفت‌وگو کنیم. حرف‌هایی درباره درصد غنی ســـازی ایران زده شـــده و آن‌ها هم نفراتی برای تســـت کردن و راستی آزمایی دارند. چه اشکالی دارد در این رابطه گفتگو کنیم. می‌گویند آقای گروســـی کمی ثقل ســـمع دارد، یعنی گوش‌های ایشان کمی سنگین است. با چنین آدمی اگر همینطور هم صحبت کنید او به خوبی نخواهد شنید. بماند که بخواهید غیر مستقیم با او گفتگو کنید. البته من این نکته را برای مزاح گفتم. به طور کلی نباید هیچ ترس و واهمه‌ای از مذاکره مستقیم داشت. به ویژه که ما امروز در منطقه در موضع اقتدار هستیم و توانسته ایم کاری بکنیم. در چنین موضعی راحتتر می‌توان حرف زد.

من عقیده دارم حتی قبـــل از حمله وعده صادق هم لازم بود که وقت را از دست ندهیم و مذاکره مستقیم داشـــته باشـــیم و مباحث خودمان را پیش ببریم؛ لذا بی برنامگی در حوزه سیاســـت خارجی مشهود است. از جمله مســـائل ما در این شیوه این است که باید با دیگران صحبت کنیم و واسطه درست کنیم تا بروند و پیام ما را برسانند.

یک زمانی شـــعارهای زیادی داده شد که ما ســـفره مردم را به مسائل بین المللی گره نمی‌زنیم و بعدها متوجه شـــدند که اگر خودشـــان هم نخواهنـــد گره بزنند، گره خورده است

در یکی از مصاحبه هایتان از اقدامات کشورهای اســـلامی در خصوص فلسطین اظهار نارضایتی کرده اید. از دیدگاه شما کشورهای اسلامی به جزراهپیمایی‌های درون کشوری و صدور بیانیه چه اقداماتی باید داشته باشند؟

یک بار من به مکه مشرف شدم و یکی از شیوخ وهابی آل سعود برای صحبت با ما آمد و می‌گفت احمدی نژاد خیلی خوب بود و می‌گفت باید اســـرائیل از بین برود و... گفتم بله ایشان گفته است، ولی شما هم بیایید و کمـــک کنید تا با هم این کار را انجام بدهیم. گفت نه ما کارهای زیادی داریم و شـــما باید این کار را انجام بدهید. امام خمینی گفته است باید اسرائیل نابود شود. من به ایشان گفتم امام خمینی گفته است اگر هر یک نفر مسلمان یک ســـطل آب به طرف اسرائیل بریزد، اســـرائیل را آب می‌برد. شما هم یک قاشق چایخوری آب بریزید، ما هم با تانکر آب می‌ریزیم.

به نظر من کشورهای اسلامی می‌توانند در عرصه‌های اقتصادی، دیپلماســـی و سیاسی سه کار مهم و جدی انجـــام بدهند. واقعیت این اســـت کـــه در وهله اول باید کشـــورهای اســـلامی ارتباطات خـــود را با رژیم صهیونیســـتی قطع کنند. اگر راســـت می‌گویند باید این کار را انجام بدهند. نمی‌شـــود که به ظاهر بگوییم مخالف صهیونیســـت‌ها هســـتیم، ولی در پشت پرده روابط داشته باشـــیم. برخی مثل امارات رسما روابط خود را اعلام کـــرده اند و برخی در روند صلح ابراهیم روابط پشت پرده دارند. این نکته بسیار مهم است.

نکته دوم این اســـت که باید توجه داشـــته باشیم که هر گونه بده بستان اقتصادی با رژیم صهیونیستی باید قطع شـــود روابط سیاسی یک بحث است، ولی روابط اقتصادی بسیار مهمتر است. کالایی نگیریم و کالایی نفرستیم. نکته بعدی اجتماع مشترک است. کنفرانس اســـلامی داشتیم و ســـازمان همکاری اسلامی وجود دارد. این‌ها را باید فعال کرد. رژیم صهیونیســـتی باید در عرصه بین‌الملل منزوی شود. ولی مسأله بر عکس شده اســـت و می‌بینیم اسرائیل کشورهای اسلامی را دور می‌زند و بحث خود را پیش می‌برد و از انزوا خارج می‌شـــود و به جای اسرائیل، فلسطینی که می‌خواهد رسماً در سازمان ملل کرســـی داشته باشد، مورد بی مهری قرار می‌گیرد. معلوم اســـت که ضعف مفرطی در کشورهای اسلامی وجود دارد و رژیم صهیونیستی حرف خود را در سازمان ملل بهتر پیش می‌برد.

آیا با توجه به فشارهای جهانی می‌شود انتظار اضمحلال رژیم صهیونیستی را داشت؟

باور من این اســـت که اگر رژیم صهیونیستی خودش بود و خودش، راحتتر می‌شـــد تکلیف را معلوم کرد. ولی رژیم صهیونیستی پشتوانه‌هایی در غرب دارد که وجود آنها ترسیم کننده اهمیت و سختی کار ما است. در انتخابات آمریکا که آبان ماه پیش رو است، شرایط تغییر خواهد کرد. اگر ترامپ بر سر کار بیاید که تکلیف همه معلوم است. بایدن سالخورده شده است و کارها را با دو دوزه بازی پیش می‌برد و تکالیف روشن نیست. من عقیده دارم اگر جنـــاح جمهوری خواه در آمریکا روی کار بیاید، قطعا حمایتش از رژیم صهیونیســـتی را بیشتر خواهد کرد. آن زمان بحث فروپاشی اسرائیل جایگاه دیگری دارد. زیرا که این موضوع تابعی از قطع حمایت آمریکا از اسرائیل است. اگر باز هم دموکرات‌ها بر سر کار بیایند، آن‌ها کمتر از جمهوری خواهان برای اسرائیل سینه ســـپر می‌کنند. رژیم صهیونیستی به دنبال تغییر رژیم سیاسی در جمهوری اسلامی است. ولی دموکرات‌ها می‌گویند به دنبال تغییر رفتار ایران هســـتیم و نمی‌خواهیم نظام سیاسی در ایران تغییر کند. مســـائلی که در مورد رژیم صهیونیستی مطرح می‌شـــود، نباید جدا از مجموعه پازل جهانی بررسی شود. ایران با عملیات وعده صادق قدرت خود را نشان داد و شکی نیست که هیمنه اسرائیل فرو ریخت. برای اولین بار در طول تاریخ چهار دهه گذشته به اسرائیل حمله کردیم.

توصیه من به دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی این است که این نفوذ اسرائیل در دستگاه‌های مختلف مـــا زجر آور اســـت، باید برای این فکـــری کرد. رژیم صهیونیســـتی چند ترور بیولوژیک داشته و نزدیک به ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر آن ها، ایرانیانی در نقاط مختلف دنیا بوده اند. در آبسرد طوری عمل کردند که سوژه اصلی را بزنند و به خانواده اش آســـیبی زده نشود. این چه نفوذی اســـت؟! سه کامیون اسناد ایران را بردند! برای این‌ها باید فکری کرد.

برخی خیلی داغ و تند می‌گویند اســـرائیل به زودی از بیـــن می‌رود. ولی من می‌گویم دســـت و پای رژیم صهیونیســـتی در دســـتگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و انتظامی و... را قطـــع کنیم. برای این‌ها فکری بکنیم. آن‌ها بدون سر و صدا و بدون کمترین تبلیغ برای این بحث‌ها کارهای خود را انجام می‌دهند.

مـــردم بعد از عملیات وعده صادق خوشـــحال بودند، ولی برخی بروز نمی‌دهند. به این علت که از برخی از دست اندرکاران فعلی خوششان نمی‌آید و نمی‌خواهند این طیف، از خوشـــحالی آنها سوء استفاده کنند. در ایران همه از رژیم صهیونیستی بیزارند و نمی‌خواهند اسرائیل باشـــد و از این عملیات خوشحالند، ولی بروز و ظهورش کم رنگ اســـت. چون زمامداران کارهایی می‌کنند که این وضعیت در جامعه ایجاد می‌شود.

آغاز بـــه کار مجلس دوازدهـــم را در پیش رو داریم. به عقیده شـــما اولویت‌های این مجلس چه می‌تواند باشد؟ نمایندگان این مجلس چگونه می‌توانند کارنامه موفقی از خود به جای بگذارند؟

باید بگویم چشم انداز مجلس دوازدهم را خیلی بهتر از مجلس یازدهم ارزیابی نمی‌کنم. من معتقد هستم بســـیاری از مسائلی که در مجلس یازدهم اتفاق افتاد از جملـــه دلایلی بود که مـــردم در این دوره کمتر در انتخابات شـــرکت کردند. دهها دلیل وجود داشت که این یکی از آن‌ها بود.

امروز گروههای اصولگرا همدیگر را افشا می‌کنند. یکی می‌گوید تو چند تا شاســـی بلند گرفته ای؟ و دیگری می‌گوید تو بیشتر گرفته ای! البته اجازه ندادند صدای ماجرا در بیاید و بحثش جدی شـــود. در مجالس، در ابتدای هر دوره به نماینـــدگان خودرویی می‌دهند و وامی داده می‌شـــود. ولی این مجلس علاوه بر آن، در بین دوره هم رانت خودرو گرفتند که اسنادش موجود بود. ولی اجازه ندادند این موضوع زیاد مطرح شود.

مجلس یازدهم باید آمار بدهد که برای مردم چه کرده است؟ بگوید من چه اقدام داشتم که در جهت گشایش وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم بود. باور کنید حتی نمی‌توانند ۵ مورد را بشـــمارند که در رونق بخشی به سفره مردم تأثیری داشته باشد.

داســـتان لایحه عفاف و حجاب همچنـــان در رفت و برگشت بین صحن و شـــورای نگهبان است. مجلس یازدهم به پایان می‌رســـد، ولی هنوز نتوانسته اند به نتیجه برســـند. به ویژه که این موضوع را اصل هشتاد و پنجمی کردند. یعنی نمی‌خواستند مردم در جریان آن قرار بگیرند و کار رسیدگی به آن را به کمیسیونی خاص واگذار کردند.

مســـائلی را در این لایحه گنجاندند؛ از جمله مسائل مالی و بحث جریمه که من حتی از حرف زدن از این نوع قانون گذاری کراهت دارم. مســـئولیتهای اصلی و توجه به نیازهای ضروری مردم فراموش می‌شود و به سمت چیزهایی می‌روند که بی فایده است.

به طور مثال بحث شـــفافیت که همیـــن نمایندگان مدعـــی‌اش بودنـــد، هنوز قانون‌مند نشـــده اســـت و نمی‌تواننـــد بگویند علاوه بر مجلس در ســـایر نهادها هم توانســـتیم حرفها و رأیها و نظرها را با شفافیت به گوش مردم برســـانیم. مجمع تشخیص و دیگر نهادها مانع شدند و گفتند شما بیخود می‌گویید. اصلا نباید چنین کاری بکنید. می‌خواهم بگویم مجلس یازدهم در عرصه حکمرانی مطلوب هیچ اقتداری از خود بروز نداد.

من نمی‌خواهم بد بین باشم، اما مجلس دوازدهم هم از امروز آثاری نشان می‌دهد که به مراتب بدتر از مجلس یازدهم خواهد بود. عجیب اســـت که از امروز شـــروع کرده‌اند و برای همین رأی اعتمادهای اولیه در حال سند جمع کردن و پرونده‌سازی علیه هم هستند. مثلا علیه رئیس فعلی مجلس کلی سند درست کرده‌اند و از خانوادهاش گرفته و دیگر مسائل را زیر نظر گرفته‌اند. طرفداران رئیس مجلس هـــم بحث‌های دیگری را از گذشـــته این افراد جمـــع می‌کنند و پرونده ســـازی کرده‌اند. این افراد چه برنامـــه‌ای دارند؟ ما که برنامه مفصلی داشـــتیم و معتقد بودیم بهتر از این می‌شـــد معیشت مردم را مدیریت کرد و رونق ایجاد کرد. ما در مباحث سیاست خارجی و... برنامه داشتیم. ما معتقدیم در مباحث مختلف مثلا می‌شد عفو عمومی داده شود و قلـــوب مردم را به حاکمیت جذب کرده و از حمایت عموم مردم برخوردار شوند.

دولـــت در بخش‌هـــای مختلـــف ضعف‌هایـــی دارد. نمایندگان باید نظارت‌هـــای جدی تری بکنند و اون نمایندگی که شایسته مردم است را از خودشان بروز دهند.

حتی ما معتقدیم در قانون اساسی رفراندوم پیش بینی شده و می‌شود از مردم نظر خواهی کرد.

این گروه اهل نظر خواهی از مردم نیستند و اعتقادی به اهمیت داشـــتن نظر مردم ندارند. متأسفم که اینها حاملان تفکری هســـتند که می‌گوید رأی مردم هیچ گونه مشـــروعیتی برای حکومت ندارد. به یکی از این آقایان می‌گفتند که در برخی از حوزه‌ها پنج، شـــش درصـــد رأی آورده ایم. گفت خب آورده اند دیگر. مگر بیشـــتر فایده‌ای دارد. همین قدر بس اســـت! یعنی اعتقادی به مشارکت گســـترده وجود ندارد. در ذائقه این افراد حلاوت و شیرینی از مشارکت حداقلی مردم وجود دارد. دوست ندارند مشارکتی حداکثری وجود داشته باشد. من چندین جلسه با این افراد بحث کرده ام. آنها معتقد به این نیستند که نظر و رأی مردم ملاک باشـــد. در برخی از گفته‌های آن‌ها هست که تفکیک قوا معنا ندارد، ما باید بـــه نوعی لجنه یا کمیته‌هایی داشته باشیم که همه اینها به رهبری مشاوره بدهند و همین بس است. این تفکر در ذهن برخی از این افراد وجود دارد و به نظر نمی‌رسد این تفکر دلسوزانه برای مشکلات معیشتی مردم کاری انجام بدهد.

برخی از آنها از ابتـــدا مطرح کرده اند که باید حق و حقوق نمایندگان بالا برود و وضعیت نماینده بد نباشد. گویا کیسه‌ای دوخته و آمده اند.

من به جز اصل رفراندوم، اصل ۱۷۷ را هم در نظر دارم و می‌گویم مجلس می‌تواند برای بازنگری قانون اساسی پیگیری کند. ولی این مجلس و این تفکر اصلا چنین حرف‌هایـــی را قبول ندارد. می‌گوید الحمدالله وضع ما عالی اســـت و هیچ بنبستی و مشـــکلی وجود ندارد و عالی‌ترین وضعیت در جریان است و کمی مانده که به قله برسیم. نزدیک هستیم و کم مانده و اجازه بدهید ما به قله برسیم.

آینده سیاسی خود را چگونه پیش بینی می‌کنید؟ آیا برنامـــه‌ای برای حضور در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خواهید داشت یا نه؟

من از شانزده سالگی عنصری تشکیلاتی بودم و بارها گفته ام که گروه الخمینیون را درســـت کردیم و بعد در حزب جمهوری اسلامی و حزب همبستگی بودیم و تشـــکیلاتی به نام مدافعین پیام دوم خرداد درست کردیم و امروز در حزب مردم ســـالاری هســـتیم. من فردی حزبی هستم. به معنای واقعی کلمه فردی حزبی هســـتم. من تابع تصمیمات خرد جمعی حزب خودم هســـتم. اگر آن‌ها تصمیم بگیرند که من ورود داشته باشـــم، حتما می‌آیم. ولی اگر فضا را مناسب نبینند، دلیلی ندارد که وارد کار بشوم.

خود من شرطی اساسی دارم که تاریخ مردم باز نشود، هر گونه حضور ما معنا ندارد. ما اول باید ببینیم مردم چـــه می‌کنند؟ ما هم باید کمک کنیم تا آن کاری که مردم می‌خواهند و منویات مردم انجام شـــود. این که علی مطهری در تهران نفر ۶۴ می‌شـــود به این علت نیســـت که مقبولیت او نسبت به قبل کم شده باشد، بلکه یعنی مردم نیامده اند. همان‌هایی آمدند که لیست می‌دهند و بین خود رد و بدل می‌کنند و طبیعی است که در چنین شرایطی من نه اسم نوشته ام و نه اقدامی کرده‌ام. من یک دوره از ســـمنان و یک دوره از تهران نماینده بودم، ولی علی رغم فشارها گفتم نه

اگر مردم بالای ۳۵ تا ۴۰ درصد بیایند، تازه رأی‌های ما شروع می‌شود و می‌توانیم مدعی باشیم که پایگاهی داریم. من عقیده دارم باید تلاش کنیم و کاری کنیم

آقای رئیســـی در آخرین مصاحبه‌اش به عنوان دهمین گزارش صدا و ســـیما با کمال افتخار می‌گفت که می‌دانید که من وابســـته به هیچ حزب و گروهی نیستم. ولی این افتخار نیست

که مردم حضور داشته باشند. در انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، پنجاه و دو درصد مردم نیامدند که این بر اساس آمارهای رسمی است. **یعنی فقط ۴۸ درصد آمده‌اند. این یعنی چه؟!**

ما برنامه‌هایی در حزب داریم. باید کارهایی انجام شود تا، یخ مردم باز شود و بیشتر رغبت به مشارکت نشان بدهند و حضور داشـــته باشـــند. آن زمان بحث تأیید صلاحیت آقای زاکانی یا رد شـــدن کواکبیان توسط شورای نگهبان مطرح می‌شود و باید پاسخ بدهند که چه چیزی در ایشان برجسته است؟ سواد دانشگاهی یا ســـوابق علمی یا سواد رسانه‌ای اش یا کار حزبی و کار اجرایی و... چه چیزی در ایشان بالاتر بود؟!

براساس آنچه که بود، با ابلاغیه شورای نگهبان پرونده ما جدا شده بود. نه من، بلکه تمام کاندیداهای جبهه اصلاحـــات را یک جا رد کردند. آقـــای مهرعلیزاده یا آقای همتی از جبهه اصلاحات معرفی نشـــده بودند. اول ببینیم مردم می‌آیند یا نه؟ بعد ببینیم اگر مردم می‌آیند، حالا آیا می‌توان لابی کرد و آقایان از سر لطف و نگرشی با سهله بیشـــتری شما را تأیید می‌کنند یا نه؟ ما این مســـائل را در حـــزب جدی گرفته و بحث می‌کنیم.

به عقیده من بانک مرکزی ما مستقل نیست. یکی از تزهای ما در بحث بازنگری قانون اساســـی بازگردادن اســـتقلال به بانک مرکزی اســـت. بانک مرکزی نعل بـــه نعل از وزارت اقتصاد و دولت حرف شـــنوی دارد. گاهی از بالا ارز پاشـــی می‌کند و نوعی هماهنگی بین دســـتگاه‌های اقتصادی دولت وجود ندارد و هر کسی ساز خودش را می‌زند. اولین اولویت این است که نوعی هماهنگی بین دستگاه‌های اقتصادی ایجاد کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و دلشان بسوزد و فکری بکنند. مشـــکل ما بدون برنامه بودن و عدم هماهنگی بین سیستم‌ها است.

در یک سال اخیر نزدیک به ۶۰۰ همت یعنی ششصد هزار میلیارد تومان اسکناس چاپ کرده اند. امیدوارم این ارقام درست نباشد.

زیرا به معنی افزایش نقدینگی است. یکی از دوستان می‌گفـــت در دولت اختلاف وجود دارد که آیا رشـــد نقدینگی باعث افزایش تورم و فشـــار بر مردم می‌شود یا کمـــک کننده اســـت؟! آقای رئیســـی در یکی از صحبت‌های خود گافی داده بود و رشـــد نقدینگی را یکی از شاخص‌های رشـــد گرفته بود. این چه حرفی است؟! این حوزه هیچ ارتباطی به رژیم صهیونیستی و دنیای استکبار ندارد این جا تماماً مربوط به مسئولیت بانک مرکزی است.

دولتمردان باید بتوانند با کنترل رشد نقدینگی، تورم را بـــه میزانی مهار کنند و تولید را افزایش بدهند. من فکر می‌کنم مشکل ما اینها است و ما می‌توانیم اینها را حل کنیم.

امســـال ســـال جهش تولید با مشارکت مردم نامگذاری شده است تحقق این شعار در سطح ملی نیازمند شرایطی است، دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

واقعیت این است که بیش از ۱۵ سال است که رهبری شعار ســـال را با موضوعات اقتصادی تعیین می‌کنند. فرمایش ایشان مهم است، ولی نوع نگاهی که توسط اقتصاددانان ما وجود دارد، در راستای میدان دادن به مردم نیســـت. من می‌گویم مهار اقتصاد باید به دست دولت باشد و افسار اقتصاد باید در دست دولت باشد و دولت کنترل کند. آمار می‌دهند که چقدر در صنایع، مردمی ســـازی می‌کنیم و...، ولی این‌ها خیلی به هم نمی‌آید. مشـــارکت مردم از نوع مشارکت سیاسی تا مشـــارکت فرهنگی و اقتصادی و... با هم فرق زیادی نمی‌کند. اگر نگاه این باشـــد که باید کشور به دست مردم بچرخد، در سیاســـتش هم این طور خواهد بود. باید به مردم میدان بدهیم و این میدان دادن هم باید در فرهنگ باشد و هم در اقتصاد.

موارد زیادی وجود دارد که دولت پشت صحنه کارها را به دســـت می‌گیرد و نمایشـــی میدهـــد. در مورد بحث‌های اقتصادی می‌توان دهها مورد از این وضعیت مثال آورد که اسم را مشـــارکت مردمی گذاشته اند، ولی رسمشان این نیســـت که مردم به صورت جدی دخالت کنند. به عقیده من این تفکر دولتی مخصوص دولت ابراهیم رئیسی نیست. در دوران احمدی نژاد هم چنین تفکری بود که باید کارها را ما بچرخانیم. به نظر می‌رسد اگر به طور جدی بخواهیم مشارکت مردم را داشته باشـــیم باید از سیاست گرفته تا فرهنگ، همه موارد را مردمی عمل کنیم.

چند وقت پیش بحثی در مورد دو باشگاه پرسپولیس و استقلال مطرح شـــد آیا تصمیماتی که گرفته شد مشارکت مردم است؟! وقتی من در مجلس بودم این پیشنهاد را در فراکسیون ورزش دادم که مثل بسیاری از کشـــورهای دنیا کار را به هواداران بســـپاریم. این باشگاهها هواداران قرص و محکمی دارد. این هواداران سهامدار شوند و ســـود نیز بین هواداران توزیع شود، ولی دولت نمی‌خواهد. نگرانی دارند که اگر روزی یک سلبریتی ورزشی حرفی زد، برای دولت بد شود، ولی من می‌گویم اگر حرفش درســـت است، بگذارید بزند. اگر نادرست اســـت، توضیح بدهید. وانگهی اگر حرف غلط باشد که کســـی گوش نمی‌دهد. این ترس‌ها در دولت وجود دارد من یک نمونه را گفتم. وگرنه مردمی سازی باید ازهمین جاها که استقبال مردم وجود دارد شروع شود.

گاهی شـــاهد برخی موضـــع گیری‌ها از طرف افرادی هســـتیم که به پای یک جریان نوشته می‌شود.

منظور شما جمله از تاجزاده تا شاهزاده است؟

بله

آقای نصیری اشـــتباه کرده اســـت. ایشان مباحثی را مطـــرح می‌کند که اگر کمی فکر می‌کرد این حرف‌ها را نمی‌زد. ما هماســـتانی و با هم آشنا هستیم. برخی می‌گویند ایشـــان در کیهان به آقـــای خاتمی حمله می‌کرد و اطلاعات بچه‌هـــا را لو می‌داد و درباره آقای مخملباف و دیگران حرف‌هایی زده شـــد. ولی من این موارد را مهم نمی‌دانم. ایده ایشان ایده بدی بود. زمانی آقای نصیری می‌گفت شما اصلاح طلب‌ها بیخود تلاش می‌کنید، نظام خود به خود در حال فروپاشی است و لذا باید حواس‌ها جمع باشد. ما می‌گفتم در حال تلنگر زدن به نظام هستیم که حواسش جمع باشد.

ولی وقتی می‌گوییم شـــاهزاده در کنـــار تاجزاده، این مطلب چیزی اســـت که اصولگراها باید از آن خجالت بکشـــند. نباید چنین جوابی داد. ولـــی در عین حال آقای تاجزاده در یکی از ســـخنانش گفته بود که نظام دموکراتیک واهمـــه‌ای ندارد. اگر مردم شـــاهزاده را هم بخواهند می‌توان به رفراندوم گذاشـــت. ولی قطعا ملت ایران از هر نوع پدیده موروثی بودن و ســـلطنت بودن و شاهزاده بودن عبور کرده است. یکی از دلایل مخالفت مردم با برخی از زمامداران فعلی این اســـت که می‌گویند روحیه شاهی و استبدادی را اعاده کرده است، چون مردم از این کارها خوششان نمی‌آید.

عده‌ای که ارزشـــی هستند نباید این چیزها را به اسم اصلاح طلبی بنویسند. من در جبهه اصلاحات هستم و برای این چیزها ارزشی قائل نیستیم و به این موارد نمی‌پردازیم. ولی کســـانی که کم آورده اند. مشکلات خودشان را حل کنند، به سوابق کاری نداشته باشید. کل این ایده بســـیار سخیف است. ما حتی در روزنامه موضع نگرفتیم.

و به عنوان آخرین سوال این مصاحبه می‌خواهم مطرح نمایم با توجه به اینکه در آســـتانه هفته روابط عمومی هســـتیم از دیدگاه شما نقش و جایگاه روابط عمومی‌ها در جامعه چگونه است؟

من اعتقاد دارم روابـــط عمومی‌ها فعلا تنها کاری که انجام می‌دهند این است که نوعی تریبون برای گزارش عملکرد دستگاه‌ها هستند. خوب است که اینجا ذکر نامی از مرحوم میرزا بابا مطهری نژاد داشـــته باشـــم. ایشان جزء مدیران روابط عمومی کشور و عضو حزب ما بود و به رحمت خدا رفته اســـت. ایشـــان می‌گفت اگر می‌خواهید بدانید روابط عمومی چقدر قوی است، ببینید چقدر مطالبات مردم از آن دســـتگاه را بازتاب می‌دهد. این می‌شـــود روابط عمومی قوی. ولی اینکه فلان مدیر کل این طـــور افاضه فرمودند و فلان یکی فلان جا قدم گذاشت ودیگری چه فرمایش فرمود، این کار روابط عمومی نیســـت که فعلا کار روابط عمومی گـــزارش لحظـــه‌ای از رئیس و مدیر عامل دســـتگاه اســـت. روابط عمومی باید بگوید مردم از دستگاه این خواســـته‌ها را دارد. ما به عنوان این دستگاه تا حدی ایـــن کارها را کرده ایم و پاســـخگوی مطالبات مردم هستیم. من چنین چیزی را نمی‌بینم. روابط عمومی باید کمی خود را بشکند و بگوید ما از مجموع مطالبات به این تعداد عمل نکرده ایم. اگر روابط عمومی بخواهد قوی باشـــد باید خود انتقادی را مبنای کار خود قرار بدهد. باید از خودش شـــروع کند باید ببیند مردم چه خواسته‌هایی دارند.

دکتر بالاد: آقای دکتر کواکبیان از حضور و صبر و حوصله جنابعالی بسیار سپاسگزارم و برایتان سلامتی آرزو دارم.

اساســـی‌ترین مشـــکلات احـــزاب بـــرای فعالیت‌هایشان چیست؟ ما شاهد فعالیت فصلی احزاب به ویژه در ایام انتخابات هستیم دیدگاه شما چیست؟

من از ابتدا جزء موسســـین خانه احزاب کشور بودم و در تمام ادوار گذشـــته در خانه احزاب سمت داشتم و امروز هم جزء شـــورای مرکزی هستم و مسئول چند کمیته بودم. همایش‌های بســـیاری در وزارت کشور برگزار کردیم. واقعیت این اســـت که نگاه دولت فعلی به احزاب نگاه مثبتی نیست. آقای رئیسی در آخرین مصاحبه اش به عنوان دهمین گزارش صدا و سیما با کمال افتخار می‌گفت که می‌دانید که من وابســـته به هیچ حزب و گروهی نیســـتم. ولی این افتخار نیست. اتفاقا به نظر من بزرگترین عیب شما این است که در نظامی دموکراتیک بحث می‌کنید که وابسته به حزب نیستید. چرا نیستید؟ چرا نباید باشید؟

یا در نظامی دموکراســـی نیست یا هست. اگر هست باید انتخابات در این نظام باشد. انتخابات یا فرمایشی و نمایشی است یا واقعی. اگر انتخابات واقعی است حتما باید رقابت جدی باشـــد. رقابت یا درون یک جناح یا درون جناح‌ها است که در این صورت باید احزاب قوی پای کار بیایند و رقابت را جدی کنند. این چه حرفی است که آقای رئیس جمهور با کمال افتخار می‌گوید من وابسته به هیچ حزب و گروهی نیستم. اینها چنین نگاهی دارند.

آقای دکتر کواکبیان شاید آقای رئیس جمهور به موضوع نگاهی فرا جناحی دارند؟

اشـــکالی ندارد که در یک حزب باشید و برای همه و برای مجموعه مردم پدری کنید. وقتی رئیس جمهور مـــا اینطور عمل می‌کند، از وزیر کشـــور چه انتظاری دارید؟ چون من با دوســـتان ارتباط دارم، معتقدم که چندان رغبتی بـــرای بحث وجود احـــزاب ندارند. ما کمیســـیون ماده ۱۰ احزاب را در وزارت کشور داریم. دو نفـــر از قوه مقننه و دو نفر از قوه مجریه و دو نفر از قوه قضاییه برای بحث احزاب حضور دارند. دو نفر هم از احزاب هستند که یکی نفر از احزاب ملی و یک نفر از احزاب استانی است. در اصل قانون است که این دو نفر باید بدون حق رأی در کمیســـیون حضور داشته باشـــند. یعنی نمایندگ